



رهبر انقلاب در مراسم سالگرد ارتحال امام گرایش به انقلاب بیشتر شده است

شهدا

روزنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



حجت‌الاسلام سید محمود دعایی درگذشت روحانی رسانه و مدارا

دوشنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۱ - ۶ ذیحده ۱۴۴۳ - ژوئن ۲۰۲۲

سال ششم - شماره ۱۹۴۸ - ۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

پس از سال‌ها غیبت در فضای عمومی؛ افراطی‌ها از سالگرد امام شروع کردند

همدلی دوباره با فرارسیدن سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) حواشی رخ داد که تقریباً چند سالی است تکرار می‌شود. موقعی که سیدحسن خمینی تولیت آستان حرم امام خمینی سخنرانی می‌کند عده‌ای شروع به دادن شعارهایی علیه او می‌کنند. موضوعی که به نظر می‌رسد موردپسند جریان اصولگرا و منتقد سیدحسن خمینی است. البته این بار این شعارها با واکنش رهبری مواجه شد. روز برگزاری مراسم سالگرد درگذشت امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی، جمعی از افراد حاضر شروع به شعار دادن کردند و با این کار تلاش داشتند که مانع سخنرانی سید حسن خمینی شوند.

پرونده ایران؛ چهارشنبه روی میز شورای حکام

- «مهدی مداینی» مصحح و پژوهشگر ادبیات درگذشت
- تغییرات عجیب در گردش خون فشانوردان روسیه بازار فضا را هم از دست داد
- یک گزارش جامنده از نمایشگاه کتاب تهران
- مشتری شماره ۴۲
- رنگین‌کمان تضادها
- روزی که جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل آغاز شد

بازگشت افراطیون به نفع کشور نیست

مهدی دهقان نیری فعال مدنی

در مراسم سالگرد ارتحال امام (ره) یکبار دیگر گروه‌های افراطی اجازه ندادند سید حسن خمینی نوه بی‌باک‌گذار نظام و تولیت آستان ایشان سخنرانی کند. اتفاقی که ۱۲ سال پیش نیز با اشاره رئیس‌جمهور وقت احمدی‌نژاد رخ داد و تندروها حرمت حریم حرم را زیر پا گذاشتند. اگر آن روز رهبر انقلاب با تفقد از سید حسن خمینی با این کار مخالفت کردند، در سخنرانی روز چهارم خرداد خود، اما صراحتاً با این مسئله مخالفت کردند: «به من خبر دادند که امروز در اتنای سخنرانی جناب حاج حسن آقای خمینی کسانی سروصدا کردند. با این کار بنده مخالفم. با این نوع تخریب کردن‌ها و سروصدا کردن‌ها بنده موافق نیستم. من مخالفم. این را بدانند همه. امیدواریم انشالله خدای متعال همه ما را به راه راست هدایت کند.» رهبر انقلاب در ۲۸ بهمن ۱۳۹۱ نیز در این مورد متذکر شده بودند و مخالفت خود را با این گونه تندروی‌ها رسماً اعلام کرده‌اند. مخالفت ایشان با این گونه اقدامات، نشان از نکته‌سنجی، بصیرت و توجه به اتحاد گروه‌های مختلف سیاسی و در نهایت آرامش در کشور است. کسانی که سید حسن خمینی را می‌شناسند اذیت ایشان به رهبری و وفاداری ایشان به نظام را کاملاً از نزدیک مشاهده کردند. ایشان هیچ‌وقت دنبال تفرقه نبوده و نمونه آن در سخنرانی تاریخی مرقد امام در استقبال از دولت جدید بود که مردم را به همدلی و حمایت از دولت دعوت کرد. او کسی است که در هر سخنرانی، امید به آینده ایران و دعوت مردم برای همدلی و همبستگی بیشتر را تبلیغ کرده است. او علی‌رغم فضاهاهایی که تا کنون تحمل کرد، اما در پاسخ با رفتارهایی منطقی و به‌دوراز غوغا‌سالاری و احساسات و در کمال آرامش با نقد درست و عاقلانه از جریان‌های مختلف و مقابل آن‌ها وظیفه خود را نسبت به نظام و رهبری ادا کرده است.

اما سخنان صریح رهبری فصل‌الخطایی بود برای کسانی که ادعای پیروی از ولایت‌فقیه و ارزش‌های اسلامی را دارند و گرنه بر کسانی که با علم به مخالفت رهبری، این گونه رفتارها را در دستور کار خود و گروه‌های حامی‌شان دارند، حرجی نیست.

ادامه در صفحه ۵



مرثیه‌ای برای خوزستان، آبادان و قربانیان متروپل چه جوانانی اسماعیل! چه جوانانی!

فضل الله باری: «چه جوانانی! اسماعیل، می‌بینی؟ چه جوانانی!» همین یک بیت از شعر بلند رضا براهنی به جملهای برای روایت مرگ جوانان و مرثیه‌ای برای آن‌ها تبدیل شده است. شعری که براهنی ۴۰ سال پیش آن را سرود تا خطاب به یکی از دوستان شاعرش «اسماعیل شاهرودی» روایتی از مرگ جوانانی ارائه کند که «بسیاری‌شان هنوز صورت عشق را بر سینه‌شان نقش داده‌اند» این روزها که عکس‌های مردان، زنان، پسران و دختران آبادانی مدفون‌شده در زیر آوار هیولای متروپل دست‌به‌دست می‌شود، شعر براهنی بیش‌ازپیش معنا می‌یابد: «و موهایی صورت پسرها هنوز درنیامده؛ و دخترها را می‌بینی؟ جنگ است، اینجا هم جنگ است اسماعیل!»

در شعر براهنی عناصری وجود دارد که آبادان و جنگ را به ذهن تداعی می‌کند: «گریه نکن اسماعیل، جنگ است/نفت از کنار حجره‌ها بالا می‌رود/چه معجون عجیبی! چاه‌های نفت در کنار حجره‌هاست/و در حجره‌ها جوانان نشستند/آه، چه نفتی! شیر

میتوان در حوالی متروپل دید: «و حالا کجایی؟/غلطک‌ها از روی استخوان‌های شما زمین را صاف می‌کنند/خیل موربانه‌ها مردمک چشمتان را به نیش می‌کشند...» شعر براهنی هنوز هم کسانی را که از خوزستان پلهای برای ترقی خود و فرزندان‌شان ساخته‌اند، می‌نوازد: «خوزستان! هشتاد سال جهان شیر سیاه تو را نوشید/ حق داری که حالا سرخ بخوای/اما فروشندگان تو ایشان نبودند/اولاهای آنان در سواحل کالیفرنیا و جنوب فرانسه در آفتاب برق می‌زند...»

براهنی گویی می‌دانست که چه سال بعد همچنان خوزستان پولنداری است که چیزی از آن‌همه پول به خودش نمی‌ماید: «و بول خوزستان، به شکل دیگری در زمین، بانک، صنعت، عیش/دور گردن و انگشت زن‌های خواب‌آلوده ریشه می‌اندازد/خوزستان! دوشندگان تو جوانان ما نبودند/دارندگان باغ‌های سبز بودند/ کسانی که هوس‌هاشان هنوز هم به بلندی البرز است...»

ادامه در صفحه ۵ و ۴

گزارش میدانی «همدلی» از افزایش قیمت کالاهای اساسی یک خرید ساده ۸۰۰ هزار تومان

دل‌سردی اکراین از مواضع ملایم غرب در برابر پوتین

مرگ‌های مشکوک در حوزه نظامی و دفاعی خبرسازی درباره دودرگذشت

۵ هزار پرستار بعد از بحران کرونا اخراج شده‌اند

کاهش ابتلا و مرگ و میر کووید ۱۹ در کشور آتش‌بس کرونا

چطور می‌شود هنر را به سایت فروش پوشاک گره زد؟!

یادداشت

گزارش به فرمانده جهان‌آرا

علی بدیع روزنامه‌نگار

روزها چه سریع می‌آیند و می‌روند، بسیاری از آدم‌ها چه زود فراموش می‌شوند و کلا چقدر فراموش‌کار شدیم. خرمشهر وقتی آبان ۵۹ سقوط کرد و سوم خرداد ۶۱ آزاد شد، خیلی‌ها اصلاً حواسشان نبود، خیلی‌ها بعداً فراموش کردند و خیلی‌ها یادشان رفت خرمشهر وقتی آزاد شد که فرمانده قهرمانش را نداشت، همان موقع بود که حاج غلام کویتی پور برای فرمانده، برای محمد جهان‌آرا خواند و با معرفت از یاران شهیدش یاد کرد؛ یارانی که حتی در همان حد ناپیچ جهان‌آرا نمی‌از آن‌ها نیست، هرچند که تا بد جاودانه خواهند بود.

سوم خرداد ۱۴۰۱ مانند همه سوم خردادهای سال‌های قبل هم گذشت؛ سوم خردادهایی که در آن‌ها هیچ اتفاقی هم نیفتاد، البته امسال اتفاقی افتاد که کاش هیچ‌وقت نمی‌افتاد و امروز می‌خواهم از آن برای فرمانده بگویم، برای جهان‌آرا، برای سربازی دیگری از وطن.

سلام فرمانده! سلام مرد قهرمان وطنم، سلام مدافع خاک و ناموس و شرفم. سال‌ها بود که در روز سوم از ماه سوم هر سال، با نوحه «ممد نیسودی» حاج کویتی پور تو را یاد کرده و خاطر را زنده نگه می‌داشتیم ولی امسال از این نوحه به دلیلی که خواهم گفت خبری نبود. به همین دلیل دلیل گفتم برایت بنویسم، بنویسم که بماند و بدانی ما عهدشکن نبودیم، ما قدرشناس و ناسیاس نبودیم. سوم خرداد امسال مصادف شد با حادثه متروپل آبادان، شاید ندانی متروپل چیست که البته حق داری، چرا که در دوره شما از این نمادها نبود، متروپل نماد رانت و قدرت و ثروت در راستای زدوبندهای سیاسی کسانی است که حتی به خاطر منافع خود حاضر به ذره‌ای تعهد نیستند و انگار تخلف و تقلب جزو لاینفک تجارت آن‌هاست. آری ساختمان سرتاپا خلاف برج ۱۰ طبقه متروپل یک روز قبل از سوم خرداد بر سر مردم دیارت خراب شد و فروریخت؛ مردمی که قرار بود فردایش جشن آزادسازی خرمشهر را بگیرند، مردمی که تو و یارانت در دفاع از پدران و مادران آن‌ها جاودانه شدی، آری فرمانده، سوم خرداد روز عزا و ماتم مردم خوزستان و تمامی عاشقان واقعی ایران شد و آبادان مرکز زین عزای جانکاه بود.

ادامه در صفحه ۲